

بررسی چگونگی دخالت سازمان‌های مردم نهاد در سیاست

دخالت در سیاست در معنای عام ضرورت هویتی سمن‌هاست. سمن‌ها می‌توانند با ارائه «شاخص‌های یک فرد مناسب» برای پست مورد نظرشان فضا را از یک سو برای انتخاب فرد مناسب فراهم سازند و از سوی دیگر در صورت عملکرد ضعیف و یا خطای ایشان بدون لرزش صدا از او انتقاد کنند.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد لطفی آذر نماینده سابق سمن‌ها در مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک در یادداشتی نوشت: اخیراً متنی با امضای چند تشکل و فرد فعال اجتماعی به دستم رسید که در آن از کاندیداتوری یک نفر برای ریاست سازمان بهزیستی حمایت می‌کرد. خواسته شد از سازمان مردم نهادی که عضو آنم بخواهم آن را امضا کند و در صورت تمایل انفرادی هم می‌توانم آن را تایید و امضا کنم.

اگر از متن نامناسب «درخواست نامه» از رئیس جمهور از زاویه یک سازمان مردم نهاد که «مطالبه‌گری» ذات آن است و نه «خواهش‌گری» بگذرم این مسئله مجدداً برایم مطرح گردید که آیا این مقوله ی مطرح شده در تقابل با «غیر سیاسی بودن» سازمان‌های مردم نهاد، به عنوان اصلی بنیادین قرار دارد یا خیر؟ اساساً سیاست چیست و نسبت سازمان‌های مردم نهاد با آن چگونه تعریف می‌شود؟

اگر خلاصه بگویم سازمان غیر سیاسی مردم نهاد سازمانی مرده است؛ البته اگر سیاست را در معنای عام آن در نظر بگیریم!

شاید بدیهی باشد که سازمان مردم نهاد تفاوتی بنیادین با مثلاً یک حزب سیاسی دارد که هدف اول آن کسب قدرت سیاسی است. اما سیاست معنای عامی نیز دارد. اگر سیاست را شناخت، اتخاذ تصمیم تخصصی، پیاده‌سازی بهترین راه و روش برای منافع فردی یا گروهی در برابر چالش‌های احتمالی یا پیشرو بدانیم سازمان‌های مردم نهاد بخشی از آن هستند. پس در این معنا سازمان مردم نهاد باید سازمانی سیاسی باشد. اما آیا معرفی یک نفر به عنوان کاندیدای فلان سمت نیز در شرح فعالیت آنها جایی دارد؟

اشکال این نوع عملکرد را شاید بتوان به سه دسته تقسیم کرد:

اول (وقتی سازمان‌های مردم نهاد از کاندیدایی حمایت می‌کنند، در صورت انتصاب فرد در سمت مطروحه، نسبتی با فرد اینک ذی سمت پیدا می‌کنند که امکان نقد را در صورت اشتباه ایشان از خود سلب نموده یا دست کم از غلظت آن می‌کاهند که این مسئله مطالبه‌گری سازمان‌های مردم نهاد را مخدوش می‌کند.

دوم (اگر فرد ذی سمت امکان یا امتیازی را - حتی به حق- به این سازمان‌های حامی ارائه کند، شائبه ی رانت را افزایش داده و مسئله «استقلال» از دولت را در خصوص این سازمان‌ها مورد خدشه قرار می‌دهد.

سوم) گروهی که از کاندیدای خود حمایت می‌کنند، عموماً از گروه مخالف این نوع عملکرد اسمی به میان نمی‌آورند و این سانسور، «اجتماعی بودن» این سازمان‌ها را زیر علامت سوال می‌برد.

به نظر می‌رسد با توجه به مسائل بالا این شیوه عملکرد مطلوب سازمان‌های مردم نهاد نیست.

اما دخالت در سیاست در معنای عام ضرورت هویتی سمن‌هاست. سمن‌ها می‌توانند با ارائه «شاخص‌های یک فرد مناسب» برای پست مورد نظرشان فضا را از یک سو برای انتخاب فرد مناسب فراهم سازند و از سوی دیگر در صورت عملکرد ضعیف و یا خطای ایشان بدون لرزش صدا از او انتقاد کنند.

جامعه مدنی و به ویژه سمن‌ها در ایران پیکری نحیف دارند.

خطا بخش ذاتی هر عملی است، اما خطای بنیادین در کارکرد سمن‌ها می‌تواند ضربه‌ای عمیق به اعتماد جامعه بر سازمان‌های مردم نهاد بزند.

به جای اینکه بپرسیم فرد مناسب کیست بعنوان سمن باید مشخص کنیم شاخص‌ها ی فرد مناسب چیست؟